

## شرایط دستیابی به صلح پایدار از دیدگاه شهید مزاری



بنیاد اندیشه  
□ علی احمدی  
تأسیس ۱۳۹۴

### مقدمه

کشور است. او بادرک عمیقی که نسبت به مسائل افغانستان داشت، همه را به مبارزه فکری در برابر نابسامانی های آن وقت فرامی خواند و تأکیدش همواره بر محوریت وحدت ملی بود. بر این اساس است که امروز بازخوانی اندیشه این ابرمرد تاریخ افغانستان می تواند گره گشای وضع جاری واقع شود و سمت و سوی فرایند جاری صلح را بر محوریت ارزش های اساسی استوار نگاهدارد.

هرچند وضع جاری افغانستان از نگاه موجودیت قانون اساسی مبتنی بر ارزش های بنیادین بشری و موجودیت حکومت با ثبات تر نسبت به زمان شهید مزاری متفاوت

مهم ترین نکته در تأمین صلح، تنها پایان دادن به جنگ و خشونت نیست؛ بلکه حفظ دستاوردهای چندین ساله ای است که مردم افغانستان به پای آن قربانی داده اند. اساس این دستاوردها را می توانیم در افکار و اندیشه شهید مزاری جست و جو کنیم. برابری، عدالت اجتماعی، نفی انحصار طلبی و وحدت ملی، برجسته ترین مواردی اند که شهید مزاری در هر پیام، سخنرانی و مصاحبه اش مطرح ساخته است و برای ایجاد نظام مبتنی بر این ارزش ها تأکید ورزیده است. از شهید مزاری بارها شنیده ایم که جنگ راه حل نیست و تنها راه، تأمین صلح با عزت و ارزش محور در

طور مثال، شهید مزاری در جلسه‌ای با جلال‌الدین حقانی که در آن از کنار گذاشتن حزب جنبش ملی و جامعه شمال افغانستان صحبت به میان می‌آید شدیداً عکس‌العمل نشان می‌دهد و می‌گوید: «... راه حذف در افغانستان تمام شد و کسی نمی‌تواند کسی را، ملتی را، حزبی را و مذهبی را حذف بکند. یک راه است، راه تفاهم و پذیرش همدیگر...» (مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان، ۱۳۷۳: ۸۰). تأکید شهید مزاری بر پذیرش همدیگر نشان‌دهنده تنه‌راه مقابله با این چالش در رسیدن به صلح پایدار است. در حالی که این چالش هنوز هم در عمق قضایای افغانستان وجود دارد و ما در دور اول گفت‌وگوهای جاری در مورد صلح دیدیم که برخورد انحصارگرایانه یکی از جوانب مذاکره‌کننده، در صددیت با مذهب خاص و نادیده‌گرفتن آن نمایان بود. در حالی که پیروی از این منطق تحت هر شرایطی راه رسیدن به صلح را سد می‌کند و این حرف شهید مزاری که گفته بود: «اگر طرفین متخاصم دست از انحصارطلبی برندارد، امکان پایان جنگ وجود نخواهد داشت، بیشتر مصداق پیدا می‌کند» (مرکز فرهنگی - اجتماعی سراج، ۱۳۸۶: ۲۴۴).

## ۲. قدرت‌مداری براساس قانون

دومین نکته‌ای که از دیدگاه شهید مزاری به عنوان شرط در امر دست‌یابی به صلح پایدار مطرح شده بود، قانونی ساختن قدرت در افغانستان است. او با تکیه بر ارزش‌های یک حکومت مشروع، قدرت‌مداری براساس قانون را در کشور مطرح کرد. ایشان می‌گفت حقوق ملیت‌ها باید در دولت عبوری تثبیت شود و قانون که بر مبنای آن تشکیلات مملکت ساخته می‌شود نباید در اختیار یک گروه محدود باشد که این گروه براساس منافع خودش قانون را تدوین و اسمش را دموکراسی بگذارد (مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان، ۱۳۷۳: ۱۹-۲۰). از دید شهید مزاری باید پایه‌های قدرت براساس قانون گذاشته شود و قدرت به صورت قانون‌مند اعمال گردد. امروز این مسئله به درستی در قانون اساسی کشور تسجیل یافته است؛ اما اعمال قدرت برپایه آن نهادینه نشده است. پس هنوز هم اعمال قدرت برپایه قانون

است؛ اما نبود صلح پایدار و تلاش همه‌جانبه برای دست یافتن به آن از مواردی است که در هر دو زمان نیازهای مبرم و اساسی مردم ما را تشکیل می‌دهد. در این مقاله سعی می‌کنیم تا مهم‌ترین شرایط را که شهید مزاری برای دست یافتن به این نیاز مردم بیان کرده است، مورد بررسی قرار دهیم و در روشنایی آن، به ابزارهایی که برای دست‌یابی به صلح توسط شهید مزاری مطرح شده است، خواهیم پرداخت.

## صلح پایدار

به بیان ساده، هدف از صلح پایدار، احترام به حقوق همدیگر و عدالت و دوری از هر نوع خشونت است که علاوه بر جنگ و نزاع، در برگیرنده بی‌عدالتی، فقر، توسعه‌نیافتگی، آسیب به محیط زیست، عدم بردباری و... نیز می‌شود. احترام به این همه و دوری از هر نوع خشونت بدون برپایی نظام مبتنی بر خواست مردم که در آن قوای سه‌گانه اجرایی، تقنینی و قضایی دارای استقلال هستند، تحقق نمی‌یابد. ایجاد چنین نظامی خود مشروط به پرهیز از منطق حذف، عدالت محوری، بلوغ فکری، سلوک اخلاقی، مشارکت همه‌شمول و قدرت‌مداری براساس قانون است که در سخت‌ترین شرایط جنگ، توسط شهید مزاری مطرح شده بود و ما بیش از هر زمان دیگر، به ایجاد چنین نظامی نیاز مبرم داریم. بر این اساس، تا زمانی که موفق به ایجاد چنین نظام نشده‌ایم، ادعای دست یافتن به صلح پایدار عملی نخواهد بود. بنابراین، ایجاد یک نظام قابل قبول برای همه و تأمین شرایط آن که توسط شهید مزاری در آن برهه زمانی مطرح شده است، امروز به عنوان برجسته‌ترین چالش در برابر تأمین صلح دوامدار در کشور دانسته می‌شود.

## شرایط دست‌یابی به صلح پایدار از دیدگاه شهید مزاری

### ۱. از میان برداشتن منطق حذف

شهید مزاری با توجه به درکی که از وضع جامعه داشت، منطق حذف را به عنوان یکی از چالش‌های دست‌یابی به صلح پایدار در افغانستان مطرح و از ایستادگی در برابر آن حرف می‌زد. به

به عنوان یک چالش عمده مطرح است که دست یافتن به صلح پایدار منوط به آن دانسته می شود.

### ۳. رفتار اخلاق مند

مبارزه شهید مزاری، مبارزه برای اخلاق مندسازی رفتار در افغانستان بود. بررسی قضایایی که آن روز در افغانستان اتفاق افتاده نشان می دهد که سلوک و رفتار اخلاقی به تمام معنا نادیده گرفته شده است. پایان دادن به آن همه نفرت و خشونت، نیازمند مبارزه فردی بود که حرف و عملش بر مبنای اخلاق انسانی استوار باشد. بدون شک، آن فرد شهید مزاری بود. شهید مزاری مبنای تمام مناسباتش را بر اخلاق استوار ساخته بود و مدام از برابری همه، حق خواهی مسالمت آمیز و عدالت صحبت می کرد. کوچک ترین کلمه توهین آمیز را نمی توان در صحبت ها و پیام های شهید مزاری یافت که در آن اعتبار انسانی یک فرد پایمال شده باشد. دست یافتن به صلح پایدار نیاز به ایجاد فضای مبتنی بر رفتار انسانی و اخلاق مند دارد. طرح این بحث در گفتمان شهید مزاری، حقیقت این گمشده را هویدا می سازد. گمشده ای که امروز هم تحقق آن نیازمند ادامه مبارزه مزاری گونه جهت دست یافتن به صلح پایدار است.

رفتار مبتنی بر اصول و اخلاق، ایجاب می کند تا تمام جوانب ذیدخل در پروسه صلح افغانستان رفتار گذشته شان را ۱۳۹۴ معیار تصمیم گیری برای آینده قرار ندهند؛ بلکه طوری رفتار کنند تا مرحم برای دردهای بی شمار مردم افغانستان واقع شوند. نظریه حساسیت مسئله صلح که در آن برای ثبات و نظام آینده یک ملت تصمیم گرفته می شود، اخلاق مند سازی رفتار طرفین در این پروسه، اساسی ترین دغدغه و چالشی است که مزاری با عملکرد و رفتارش آن را مورد شناسایی قرار داده بود و تقاضای ارج گذاری به آن را داشت. پای بندی بیش از حد شهید مزاری بر اصول اخلاقی سبب می شود تا با هر بار مرور بر کارنامه و زندگی اش چیزهای تازه ای از او بیاموزیم. در واقع این پای بندی او به اصول اخلاقی بود که امروز از او به عنوان فرد تحول آفرین در تاریخ غم بار و پراز تبعیض و ستم کشور یاد می شود.

### ۴. بلوغ فکری

تا زمانی که جامعه ظرفیت پذیرش مؤلفه های صلح پایدار را نداشته باشد و از نظر فکری به مرحله بلوغ نرسیده باشد، صلح پایدار در کشور تأمین نخواهد شد. مبارزه دیگر شهید مزاری را تلاش او جهت رساندن جامعه به بلوغ فکری احتوا می کند. او که رهبر کتله بزرگی از جامعه آن روز را به عهده داشت و می توانست به هر گونه ای بر قدرت سیاسی خویش بیفزاید و در آن از آگاهی اندک مردم استفاده جوید؛ اما او نخواست با سرنوشت مردم معامله کند، بلکه در تمام دوره مبارزه اش سعی کرد تا میراثی بر جای بگذارد که نتیجه اش بیداری مردمش باشد و چنین هم شد. کار شهید مزاری نقطه آغازی بود برای پختگی فکری مردم افغانستان.

تلاش استاد مزاری در این راستا را نباید فقط برای قوم خاص منحصر کرد؛ بلکه این تلاش او برای تمام افغانستان بود. او در واقع می خواست پاسدار تمام مظلومان افغانستان باشد و بر ظالمان نیز گوشزد کند که پایان محرومیت نزدیک است. دیگر درس های استادانه شهید مزاری فراموش نشدنی است و نسل پس از او به آن مرحله بلوغ فکری رسیده است که دیگر فرصت ظلم تاریک اندیشان و کژاندیشان را از آنان بگیرند.

شهید مزاری، رساندن جامعه به پختگی فکری را برای تأمین صلح همیشگی ضروری می پنداشت و برای نهادینه سازی نه در شعار، بلکه در عمل مبارزه کرد. او نخستین کسی بود که برابری ملیت ها، فرهنگ تسامح و تساهل، همدیگر پذیری، نفی تبعیض و خود برتری، زیاده طلبی و راه حل ندانستن جنگ را وارد ادبیات فکری و سیاسی جامعه افغانستان کرد. بارور سازی این ادبیات، برای امروز افغانستان بزرگ ترین کمک در راستای نهادینه سازی صلح عادلانه خواهد بود.

### ابزارهای دستیابی به صلح دوامدار از دیدگاه شهید مزاری

تأمین صلح مهم ترین خواسته های مردم افغانستان در چندین دهه اخیر به حساب می آید. دست یافتن به این مهم در قدم نخست نیازمند شناسایی و به کارگیری از ابزار است که

این جا بیاییم یک حکومت اسلامی که مردم ما می‌خواهند به وجود آوریم که در آن حق همه ملیت‌ها تعیین شده باشد، این باور، باور درستی می‌باشد... این جا برای شما واضح می‌گویم در افغانستان دشمنی ملیت‌ها فاجعه بزرگی است. در افغانستان برادری ملیت‌ها مطرح است. حقوق ملیت‌ها یعنی برادری ملیت‌ها. (مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان، ۱۳۷۳: ۴۴). او به نقش مؤثر زنان در دولت‌داری معتقد بود و برگزاری انتخابات عادلانه و شفاف را اساس ایجاد حکومت مورد قبول همه می‌دانست. ایشان تدوین قانون اساسی را ضرورت مبرم در آن روز می‌دانست و پیشنهاد کرده بود که قانون اساسی باید توسط تعدادی از صاحب‌نظران کشور تدوین شود و پس از بحث و بررسی و نقد توسط حقوق‌دانان به آرای عمومی گذاشته شود و توسط مردم به تصویب برسد (مرکز فرهنگی - اجتماعی سراج، ۱۳۸۶: ۱۵۹-۱۶۰).

بنابراین، برگزاری انتخابات، تدوین قانون اساسی، برابری شهروندان در برابر قانون، نقش دادن به زنان و حمایت از اقلیت‌ها می‌باید در کشور تأمین شود. از دید شهید مزاری تأمین این همه ضرورت به برپایی نظامی مبتنی بر آرای مردم نیاز دارد و برپایی چنین نظام است که صلح دوامدار را در کشور به ارمغان می‌آورد.

### نتیجه‌گیری

شهید مزاری برای دست‌یافتن به صلح پایدار در افغانستان چهار شرط اساسی را مطرح کرد: ۱. از میان برداشتن منطق حذف. ۲. قدرت‌مداری بر اساس قانون. ۳. رفتار اخلاق‌مند. ۴. پختگی فکری برای پذیرش مؤلفه‌های صلح پایدار. با بررسی آثار باقی‌مانده از شهید مزاری دیده می‌شود که ایشان عمر خویش را پای دست‌یافتن به این شرایط گذاشته است. از دیدگاه شهید مزاری تا زمانی که منطق انحصار و حذف، اعمال غیرقانون قدرت، عدم موجودیت بستر فکری برای صلح پایدار و رفتارهای غیراصولی از جامعه برچیده نشود، دست‌یافتن به صلح پایدار ناممکن است. خواست شهید مزاری ایستادگی و دربرابری‌ها بود. او برپایی نظام مبتنی بر آرای مردم و پرهیز از خشونت و جنگ را به عنوان ابزار

تحت هر شرایطی پایداری آن را تضمین کند. در این راستا، شهید مزاری شاخص‌ترین چهره در افغانستان است که به دنبال به کارگیری از ابزارهای ایجاد صلح بود و از عوامل تهدید نماینده آن احساس خطر می‌کرد. با بررسی دیدگاه‌های شهید مزاری ابزار دست‌یابی به صلح دوامدار را دو نکته برجسته ساخته است:

### ۱. دوری از هر نوع خشونت

شهید مزاری در اوج خشونت و جنگ همواره این صدا را بلند می‌کرد: «ما مکرراً به شما گفتیم و توضیح دادیم که ما هیچ وقت جنگ طلب نیستیم، راه حل مسئله افغانستان را جنگ نمی‌دانیم.» (مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان، ۱۳۷۳: ۵۹). از دیدگاه شهید مزاری، یکی از ابزار دست‌یافتن به صلح پایدار در افغانستان دوری از هر نوع جنگ و خشونت بود. او در بیش تر سخنرانی‌هایی که در آن مقطع زمانی ایراد کرده بود، کلیدی‌ترین بخش سخنانش را «اثبات راه حل نبودن جنگ» تشکیل داده است. پیام مزاری برای دوری از هر نوع خشونت به عنوان یکی از ابزار دست‌یافتن به صلح پایدار را تنها ختم جنگ در بر نمی‌گیرد؛ بلکه پایان ظلم که به تعبیر او بر مردم ما تحمیل شده است، پایان محصور ماندن زنان از اجتماع، پایان تحمیل خواسته یک گروه کوچک بالای همه و پایان توطئه چیدن‌ها نیز در این زمره قرار داشت. شهید مزاری تا آخرین سخنانی که ایراد کرده بود، تأکیدش محو خشونت بود. بر این اساس، این نکته به درستی روشن می‌شود که اگر ابزار دست‌یافتن به صلح پایدار را در اندیشه مزاری جست‌وجو کنیم، پرهیز از جنگ و خشونت و راه حل ندانستن آن شاه‌کلید این قفل خواهد بود.

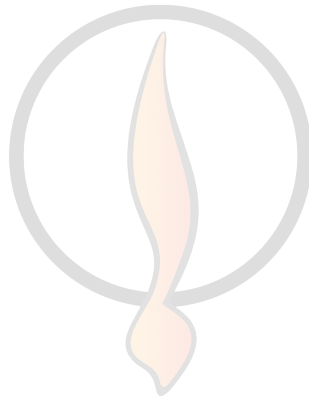
### ۲. برپایی نظام مبتنی بر خواست مردم

دومین وسیله‌ای که شهید مزاری برای دست‌یابی به صلح دائمی در افغانستان مطرح کرده است، ایجاد نظامی است که تضمین‌کننده حقوق همه شهروندان در کشور باشد. شهید مزاری می‌گفت: «من معتقدم در این جا در طول تاریخ حکومت ملی و اسلامی به وجود نیامده است... اگر ما در

دست یافتن به صلح پایدار مطرح کرد و گفت این ابزار زمانی کارا واقع می شود که چهار شرط اساسی برای دست یافتن به صلح پایدار در کشور برقرار شود.

### منابع

۱. مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان (۱۳۷۳)، احیای هویت: مجموعه سخنرانی های رهبر شهید. چاپ اول. کابل: انتشارات سراج.
۲. مرکز فرهنگی - اجتماعی سراج (۱۳۸۶)، منشور برادری: مجموعه سخنرانی ها، مصاحبه ها و ملاقات های رهبر شهید. چاپ دوم. کابل: سراج.



بنیاد اندیشه

تأسیس ۱۳۹۴